

## بررسی تأثیر مدیریت دانش بر نوآوری سازمانی مورد مطالعه: شهرداری دامنه

مریم آزادی<sup>۱</sup>، پژمان ایراندوست<sup>۲</sup>، فرهادفرهادی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاداسلامی رفسنجان

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه آزاداسلامی سیرجان

<sup>۳</sup> دانشجوی دکترا مدیریت، دانشگاه تهران

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر مدیریت دانش بر نوآوری سازمانی در کارکنان شهرداری دامنه می‌باشد، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی است که به صورت میدانی انجام می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل کارکنان شهرداری دامنه به تعداد ۳۰ نفر می‌باشد که با استفاده از سرشماری همه افراد به عنوان نمونه انتخاب شد، ابزار جمع آوری اطلاعات دو پرسشنامه‌ی استاندارد مدیریت دانش (گلد و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱) شامل سه بعد (خلق دانش، انتقال دانش، بکارگیری دانش) و پرسشنامه نوآوری سازمانی رندسیپ می‌باشد که روایی پرسشنامه‌ها توسط متخصصین و پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از آلفا کرونباخ به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۷۹ به دست آمد روش تجزیه و تحلیل اطلاعات مدلسازی معادلات ساختاری به کمک نرم افزار آموس می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت دانش و ابعاد آن شامل (خلق دانش، انتقال دانش و بکارگیری دانش) بر نوآوری سازمانی تأثیر معناداری می‌گذارد.

### واژه‌های کلیدی

خلق دانش، انتقال دانش، مدیریت دانش، نوآوری سازمانی

### مقدمه

تحولات شتابان، سریع و شگرف کنونی در محیط سازمان‌ها و تلاش آن‌ها به منظور اعمال مدیریت صحیح و کارآمد، نیازمند دانش و مدیریت درست آن است تا بتوان از مسیرهای پر پیچ و خم تحولات کنونی، رشد سازمان را به شکل مناسب تحقق بخشید. مدیریت دانش، رویکردی نو در علم مدیریت است که خلق، کسب، ذخیره سازی، انتشار، به اشتراک گذاری و به کارگیری دانش و آموخته‌ها را در بر می‌گیرد. امروزه دانش جزء لاینفک موفقیت سازمان‌ها محسوب می‌شود. این مساله در سازمان‌های مرتبط با فناوری که سرمایه‌های فکری و دارایی‌های نامشهود در این نوع از سازمان‌ها بسیار با اهمیت می‌باشد، دارای نقش حیاتی است (دهقانی، ۱۳۹۳). اگر روند تغییر و تحولات دانش در جامعه معاصر به دقت مورد ارزیابی قرار نگیرد، این نتیجه مهم حاصل می‌شود که جامعه فرصتمندی امروز جامعه‌ای اطلاعاتی است که در آن به تدریج فناوری

های نیروافزا جای خود را به فناوری‌های دانش‌افزا می‌دهند. (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴) در اقتصاد نوین منبع اصلی اقتصاد دیگر سرمایه، نیروی کار عظیم و یا منابع طبیعی گسترده نیست، بلکه دانش است که منبع اصلی به شمار می‌آید. در عصر حاضر دانش یک مزیت رقابتی و در بین عوامل تولید از مهمترین عوامل و اجزاء دارایی‌های نامشهود سازمان است (رضایی و قراخانی، ۱۳۹۵). امروزه دانش و اطلاعات به عامل تعیین کننده‌ای در موفقیت و قدرت رقابت پذیری سازمان‌ها تبدیل شده و مدیریت دانش به عنوان یکی از آخرین مباحث سازمانی در علم مدیریت مطرح شده است (سرافرازی و همکاران، ۱۳۹۶).

محیط پویا و رقابتی امروز، سازمان‌ها را به شدت به افزایش توانمندی‌های نوآوری خود نیاز دارند و این مهم تنها در سایه توجه به منبع ارزشمند دانش و قابلیت خلق و به کارگیری آن حاصل می‌گردد. نوآوری سازمانی بدون وجود مدیریت دانش مشارکتی و پویا ظهور پیدا نخواهد کرد و به همین دلیل نفس وجود مدیریت دانش، اهمیت خیلی زیادی برای سازمان‌ها پیدا کرده است (جوکار، ۱۳۹۵). چپوی (۲۰۰۸) بیان می‌دارد، در شرایط کنونی مزیت رقابتی پایدار تنها با بکارگیری دانش برای نوآوری به دست می‌آید. نوآوری فعالیت است که هدفش ایجاد، انتقال، تغییر و واکنش به ایده‌های جدید است نوآوری مجموعه عملیاتی است که از پردازش ایده شروع شده و سرانجام به تولید و عرضه محصول یا خدمات جدید به بازار منتهی می‌شود. گامسلوگلو و ایسو، (۲۰۰۹) بیان می‌دارند نوآوری در سازمان‌ها مستلزم تغییر در الگوی بکارگیری منابع و ایجاد توانایی‌های جدید است. و در جهت ایجاد این تغییرات در سازمان، نیاز به ایجاد دانش در سازمان وجود دارد. ظهور نوآوری دانش نه تنها سازمان را قادر می‌سازد نسبت به رقیب مزیت رقابتی به دست آورند بلکه ابزار سودمندی را برای ارتقاء عملکرد سازمانی ارائه می‌کند. بدین ترتیب امروزه نوآوری برای حیات سازمانها در فضای تکنولوژیکی غالب قرن بیست و یکم الزامی است و آنها برای ادامه حیات خود باید بطور مستمر نوآور باشند. تحقق این هدف، استقرار مدیریت دانش را به عنوان قابلیت اصلی سازمان الزامی می‌کند. در

<sup>1</sup> Gold et al